

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



دانشگاه تربیت مدرس
دانشکده هنر

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد کارگردانی نمایش

۲۰ / ۱۲ / ۱۳۸۱

تئاتر تلویزیونی در ایران

پروژه عملی: اجرای نمایش «فصل مادر بزرگ»

غلامحسین لطفی

استاد راهنما

دکتر محمدرضا خاکی

استاد مشاور

داریوش مؤدبیان

پاییز ۱۳۸۱

۶۴۴۴۳

بزرگواران
مجموعه آثار
دانشگاه تربیت مدرس
ایران

تأییدیه اعضای هیأت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خانم/ آقای غلامحسین لطفی

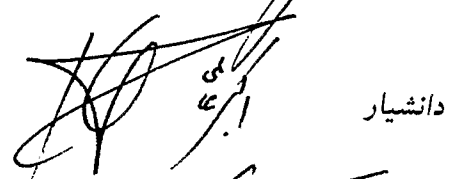
تحت عنوان: تئاتر تلویزیونی در ایران - پروژه عملی: کارگردانی نمایش «فصل مادر بزرگ» را از نظر فرم و محتوی بررسی

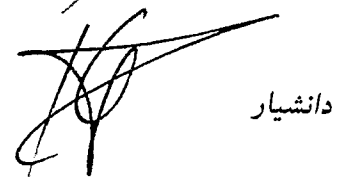
نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد پیشنهاد می کنند.


| اعضای هیأت داوران | نام و نام خانوادگی | رتبه علمی | امضاء |
|-------------------|--------------------|-----------|-------|
|-------------------|--------------------|-----------|-------|

| | | | |
|-----------------|--------------------|-----------|---|
| ۱- استاد راهنما | دکتر محمد رضا خاکی | استاد یار |  |
|-----------------|--------------------|-----------|---|

| | | | |
|----------------|----------------|------|---|
| ۲- استاد مشاور | داریوش مؤدبیان | مربی |  |
|----------------|----------------|------|---|

| | | | |
|---------------------------|-----------------|---------|--|
| ۳- نماینده تحصیلات تکمیلی | دکتر اکبر عالمی | دانشیار |  |
|---------------------------|-----------------|---------|--|

| | | | |
|----------------|-----------------|---------|---|
| ۴- استاد ممتحن | دکتر اکبر عالمی | دانشیار |  |
|----------------|-----------------|---------|---|

| | | | |
|----------------|------------------|------|--|
| ۵- استاد ممتحن | احمد ضابطی جهرمی | مربی |  |
|----------------|------------------|------|--|



بسمه تعالی

وزارت اطلاعات و ارتباطات
جمهوری اسلامی ایران

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیت های علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱ در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲ در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه)، عبارت ذیل را چاپ کند:
«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد نگارنده در رشته کارگردانی است
که در سال ۱۳۸۱ در دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی جناب
آقای دکتر محمد رضا خاکی، مشاوره جناب آقای دکتر رابینش موریان
از آن دفاع شده است.»

ماده ۳ به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴ در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵ دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تأمین نماید.

ماده ۶ اینجانب علیرضا لطفی دانشجوی رشته کارگردانی مقطع کارشناسی ارشد تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی: علیرضا لطفی

تاریخ و امضا:

۲۰۹۰۸۱

هنر نمی خرد ایام و غیر از اینم نیست
کجا روم به تجارت بدین کساد متاع
«حافظ»

برای همسر

اورانوس

و یاران جوانم

سحر و سیاوش

تنها کسانی که نوشته‌هایم را می‌خوانند.

داروی تربیت از پیر طریقت بستان
کادمی را بتر از علت نادانی نیست
(السعدی)

سپاسگزاری

اگر تشکر من بتواند اندکی از دین مرا به اساتید گرانقدر بکاهد،
مراتب سپاس خود را تقدیم می‌کنم به:
آقای دکتر محمدرضا خاکی، استاد راهنما
آقای داریوش مؤدبیان، استاد مشاور
آقای دکتر حبیب‌اله لرگی
و آقای فرهاد مهندس‌پور، اساتید ارجمندی که از آنان بسیار آموختم.

و نیز معاونان، مدیران و کارکنان گرانمایه دانشگاه تربیت مدرس:
سرکار خانم منیژه اسکندری، مدیر پژوهشی دانشکده هنر
جناب آقای دکتر لرگی مدیر گروه نمایش و معاونت پژوهشی دانشکده
جناب آقای دکتر انصاری، معاونت محترم آموزشی
جناب آقای حسین سوهانی، مدیر محترم آموزش
جناب آقای فریبرز بیدهدندی، کارشناس محترم نمایش
و سایر برادران و خواهران وظیفه‌شناس و ارجمند دانشکده هنر.

هنرمند گرانقدر مانا نیستانی طرحی اختصاصی برای این رساله ترسیم کردند، از بزرگواری و لطف ایشان ممنونم.
استاد گرانقدر هنرهای تجسمی، بهرام کلهرنیا در بخش‌هایی از رساله که به ترکیب‌بندی و کادر مربوط می‌شود راهنمای
من بودند، سپاسگزار ایشانم.

یاران دیگری مرا در ترجمه متون و گردآوری اطلاعات و کارهای مربوط به چاپ رساله و تهیه عکس‌های یاری کردند:
آقایان حمیدرضا هوشمند، محمدرضا رضایی بایندر، عباس محمدی شکیب، علیرضا خالق پناه و سهراب کلهرنیا از
همراهی همه این عزیزان متشکرم.
بازیگر توانا خسرو شهراز و سرکار خانم سروریان و نویسنده خوش‌قریحه حمیدرضا نعیمی، همکاران من در پروژه عملی
بودند و بی‌هیچ چشم‌داشتی چند ماه از وقتشان را به من دادند. منت‌پذیر ایشان هستم.

چکیده:

این رساله در دو بخش تدوین شده است. بخش اول (فصل‌های اول، دوم و سوم) ویژگی‌های تئاتر تلویزیونی و تفاوت‌های آن با تئاتر زنده (صحنه‌ای) و انواع دیگر درام‌های تلویزیونی (سریال‌های سبک خانوادگی، داستان‌های پلیسی و مهیج یا آثار سرگرم‌کننده) را بر می‌شمارد.

همیشه مرز مشخصی میان تئاتر تلویزیونی و انواع دیگر درام وجود ندارد و اغلب درام‌های عامه‌پسند از عوامل و عناصر تئاتر بهره می‌گیرند. بخش اول این رساله کوشش دارد به این پرسش پاسخ دهد که ویژگی‌های اصلی تئاتر تلویزیونی چیست؟ این هنر چه تفاوت‌هایی با درام‌های مهیج، پلیسی، سریال‌های سبک خانوادگی و مانند آن دارد؟

سپس تفاوت‌های تئاتر تلویزیونی با تئاتر زنده (صحنه‌ای) مورد بررسی قرار می‌گیرد. آیا تئاتر تلویزیونی، هنری منحصر به فرد است یا صرفاً تئاتری صحنه‌ای است که از پشت شیشه یک رسانه دیداری و شنیداری به آن می‌نگریم و تلویزیون صرفاً نقشی واسطه‌ای دارد؟

در بخش دوم تئاتر تلویزیونی ایران با ویژگی‌ها و مبانی گفته شده در بخش اول رساله سنجیده می‌شود. آیا تئاتر تلویزیونی ایران در طول تاریخ تلویزیون (از ۱۳۳۷ تا ۱۳۸۰) همواره به اصول و قواعد این هنر پای‌بند بوده یا تحت تأثیر شرایط سیاسی - اجتماعی یا ایده‌های کارگزاران، هنرمندان و مخاطبان تغییرات و نوساناتی داشته است.

در این بخش چالش‌های مهمی که در مقاطع مختلف تاریخ معاصر (قبل از انقلاب، قبل از شروع جنگ، در زمان جنگ و بعد از جنگ) فراروی تئاتر تلویزیونی ایران قرار داشته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: تئاتر، تلویزیون، تله‌تئاتر و تله‌پلی.

فهرست مطالب

| | |
|---|----|
| مقدمه | ۱ |
| فصل اول: تلویزیون و کارکردهای آن | ۹ |
| ۱-۱. درباره درام و تلویزیون | ۹ |
| ۱-۲. تلویزیون و نظر عامه | ۱۶ |
| ۱-۳. تلویزیون و نظر خواص | ۱۸ |
| ۱-۴. اهمیت تلویزیون | ۲۲ |
| ۱-۵. دیدگاه‌های معرفت‌شناسانه تلویزیونی و تلویزیون ما | ۲۴ |
| فصل دوم: نگاهی به تاریخچه تلویزیون و تئاتر تلویزیونی | ۲۹ |
| ۲-۱. پیدایش تلویزیون | ۲۹ |
| ۲-۲. پیدایش تئاتر تلویزیونی | ۳۰ |
| ۲-۳. تأثیرات متقابل سینما و تئاتر و انعکاس آن در تلویزیون | ۳۵ |
| ۲-۴. تاریخچه تلویزیون و تئاتر تلویزیونی در ایران | ۴۷ |

| | |
|----------|--|
| ۷۰..... | فصل سوم: تئاتر تلویزیونی چیست؟ |
| ۷۰..... | ۱-۳- تعریفی اولیه از تئاتر تلویزیونی..... |
| ۷۳..... | ۲-۳- گونه‌های تئاتر تلویزیونی..... |
| ۹۱..... | ۳-۳- زبان تلویزیون و ویژگی‌های تئاتر تلویزیونی..... |
| ۱۱۸..... | ۴-۳- نقش و کارکرد عناصر فنی در تئاتر تلویزیونی..... |
| ۱۲۴..... | ۵-۳- نقش و تأثیر عناصر هنری در تئاتر تلویزیونی..... |
| ۱۴۵..... | ۶-۳- پدیدارشناسی «نقش» در تلویزیون..... |
| ۱۵۶..... | فصل چهارم: تئاتر تلویزیونی ایران و شرایط سیاسی - اجتماعی..... |
| ۱۵۷..... | ۱-۴- دوره اول از بهمن ۱۳۵۷ تا مهر ۱۳۵۹..... |
| ۱۶۱..... | ۲-۴- دوره دوم از ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۷ دوران جنگ..... |
| ۱۸۵..... | ۳-۴- دوره سوم: دوران پس از جنگ (۱۳۶۷ تا ۱۳۷۶)..... |
| ۱۹۵..... | ۴-۴- دوره چهارم: پنج ساله منتهی به ۱۳۸۰..... |
| ۲۰۱..... | فصل پنجم: عوامل و ایده‌های تأثیرگذار بر تئاتر تلویزیونی ایران..... |
| ۲۰۳..... | ۱-۵- سیاست‌ها و اهداف تعریف شده تلویزیون..... |
| ۲۲۲..... | ۲-۵- تأثیر مناسبات عوامل تولید بر تولید تئاتر تلویزیونی ایران..... |
| ۲۲۴..... | ۳-۵- تأثیرات ناشی از روابط سیما با نهادهای تولیدکننده تئاتر..... |
| ۲۲۹..... | ۴-۵- تأثیر مقررات سازمانی و مراکز تصمیم‌گیری..... |
| ۲۳۰..... | ۵-۵- مخاطب و تئاتر تلویزیونی ایران..... |
| ۲۳۲..... | ۶-۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات..... |
| ۲۵۰..... | فهرست منابع و مأخذ..... |
| ۲۵۴..... | گزارش و تصاویر کار عملی..... |
| ۲۵۸..... | پیوست، آلبوم تئاترهای تلویزیونی..... |
| ۲۶۹..... | چکیده انگلیسی..... |

مقدمه

تلویزیون، این مهمان ناخوانده، چنان جایگاهی در کنج خانه‌ها پیدا کرده که همه سرگرمی‌ها و اشتغالات خانواده را تحت تأثیر قرار داده است. ذکر مطالعات آماری که تعداد تماشاگران تلویزیون و ساعات تماشا را تحلیل می‌کنند، تکرار مکررات است. به خاطر دارم زمانی که تلویزیون ملی ولایت ما را پوشش داد. بی.بی.سی اعلام کرد در یکی از شهرهای لرستان، در یک روز به اندازه یکسال لندن دستگاه گیرنده فروخته شده است. در آن روز تاریخی، تنها فروشگاه تلویزیون خرم‌آباد، همه کامیون‌های شهر را اجیر کرده بود که از تهران دستگاه وارد کند. در نتیجه سبزی و میوه روی دست باغدارها و کشاورزها مانده بود.

امروزه برای خانواده‌ها دستگاه تلویزیون از اقلام ضروری زندگی و در ردیف یخچال و اجاق گاز است.

«یکی از صاحب‌نظران علم ارتباطات و رسانه‌ها ترکیب استعاری «آتش سرد» را برای تلویزیون به کار برده است. تصویری که او از جایگاه تلویزیون در خانواده ارائه داد برابر با تصویری است که در آن انسان‌های غارنشین اطراف آتش جمع می‌شدند و علاوه بر گرم شدن، امنیت و دور هم بودن را تجربه می‌کردند.»^۱

تئاتر با عمر چند هزار ساله و سازگاری‌اش با شرایط و فراز و فرودهای گوناگون نشان داده است که هنری ماندگار است و در هر برهه‌ای از تاریخ و در میان ملت‌ها و جوامع، خواستاران زیادی دارد. متأسفانه توسعه شهرها و اشتغالات روزمره مردم فرصت دیدن تئاتر را محدود

۱. رضایی بایندر، محمدرضا، تصویر خانواده در تلویزیون، مجله سروش، شماره ۱۰۸۵، دوره بیست و چهارم، تیرماه ۱۳۸۱، ص ۵۰.

کرده است. از سوی دیگر تعداد نمایش‌های صحنه‌ای و گنجایش محدود تالارها پاسخگوی خواستاران تئاتر نیست. بنابراین تئاتر تلویزیونی هم وسیله‌ای برای پاسخ دادن به تقاضاهاست و هم با ویژگی‌های منحصر به فردی که دارد، نوع متفاوتی از تئاتر و نمایش را به فهرست بلندبالای انواع نمایش می‌افزاید.

«این رسانه‌های جمعی هستند که امکان عامه‌پسند شدن هنرها را فراهم می‌سازند. در این مفهوم، هر نوع هنر زیبا زمانی که از طریق رسانه‌ای مانند تلویزیون عرضه شود، مردمی می‌شود، همان گونه که چنین کاری در مورد اشکال هنری بسیاری که معروف به کلاسیک بودند، انجام شده است، از قبیل نقاشی‌های استادان بزرگی چون ون‌گوگ، رامبراند، داوینچی، میکل‌آنژ و نمایشنامه‌های شکسپیر، چخوف، مولیر و ایبسن»^۱.

هنر والای تئاتر، به هر صورت که نمایش داده شود روی صحنه یا در قاب تلویزیون روی نوار مغناطیسی یا نوار فیلم از شاخص‌ترین هنرهای زیباست. تلویزیون حیثیت هنری خود را مدیون تئاتر تلویزیونی، فیلم مستند و آثار داستانی هنرمندانه‌ای است که نمایش می‌دهد. کارکرد دوگانه ژورنالیستی و هنرمندانه تلویزیون را باید از یکدیگر جدا کرد و هر یک را در جای خود سنجید.

امروزه منتقدان و صاحب‌نظران شبکه‌های تلویزیونی را برحسب تعادل معقولی که میان این دو جنبه برقرار کرده‌اند، ارزیابی می‌کنند. در ایران شبکه چهار سیما توانسته است با پخش مستندهای با ارزش (استادان نوگرا) نمایش فیلم‌های سینمایی هنری (سینما ۴) و تئاتر تلویزیونی (چهارشنبه‌ها) به شبکه‌ای فرهنگی معروف شود.

تلویزیون ما تنها در صورت ارتقاء و توسعه جنبه هنرمندانه برنامه‌ها، می‌تواند به برخی قضاوت‌ها که این رسانه را - به طور کلی - فاقد ارزش‌های استه‌تیک می‌دانند، پاسخ مناسب دهد. هنرمندان، دانشجویان، اساتید و منتقدان عرصه تئاتر نیز، نمی‌توانند و نباید از کنار توانایی‌های بالقوه این رسانه فراگیر و این عرصه تئاتری، به آسانی و بی‌توجه بگذرند.

1. Nikos Metallinos, 1996, Aesthetic Television LEA Pub. Mahwah Nj, P. 155.

«این تمایز دقیق میان درام صحنه‌ای و رسانه‌های سینمایی که در دورهٔ تحصیلات عالی اعمال می‌شود، امر بیهوددای را موجب شده است: این‌که در بیش‌تر دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها دو واحد (دیپارتمان) جداگانه برای تئاتر و سینما وجود دارد به گونه‌ای که رابطهٔ چندانی با هم ندارند، در حالی که می‌توان دیدگاه‌های هر یک را در حیطه‌های نظری و عملی‌ای که در بنیاد رابطهٔ نزدیکی دارند و گاهی با هم یکی است سهیم کرد تا هر دو رسانه از آن نفع ببرند. این دو رشتهٔ تحصیلی را می‌توان در یک واحد (دیپارتمان)، «هنرهای نمایشی» سازماندهی کرد تا ثمربخش‌تر و یکدست‌تر باشد.»^۱

هنرمندانی که با نفوذ و تأثیر هر دم فزایندهٔ وسایل ارتباط الکترونیک و هنر فیلم و ویدیو واقفند آشنایی با ماهیت و کارکرد این رسانه‌ها را برخورد واجب می‌دانند.

انگیزهٔ ما در انتخاب موضوع این رساله، برداشتن قدمی در این راه بوده است.

رسانهٔ تلویزیون کارکردی دوگانه دارد. کارکرد عمده و غالب آن ژورنالیستی است: اطلاع‌رسانی، سرگرمی، آموزش‌های مدنی و ارائهٔ الگوهای رفتاری، اخلاقی و اجتماعی، تبیین دیدگاه‌های سیاسی دولت، برای حفظ اعتقادات مشترک میان مردم و یکپارچگی ملی و مانند آن. کارکرد دوم آن، کارکردی هنرمندانه است. تلویزیون با تهیه و پخش فیلم‌های داستانی هنرمندانه، آثار مستند و تئاتر تلویزیونی نشان داده است که می‌تواند مانند صحنه تئاتر یا اکران سینما محلی برای عرضهٔ آثار هنری نیز باشد. مرز میان این دو کارکرد همیشه مرزی روشن و مشخص نیست. درام‌های سبک تلویزیونی اغلب با بهره‌گیری از مقوله‌های استه‌تیک هنر تئاتر، از این هنر والا برای اهدافی مانند سرگرمی، آموزش شهروندی، حسن سلوک خانوادگی و حل مسائل روز جامعه بهره می‌گیرند. این نوع درام‌های عامه‌پسند را باید از انواع «هنرکاربردی»

۱. مارتین اسلین، دنیای درام، ترجمه محمد شهباز، تهران، انتشارات فارابی، ۱۳۷۵ ص ۳.

محسوب کرد و مرز میان این آثار و تئاتر تلویزیونی را که از انواع «هنرهای زیبا»ست، روشن و مشخص نمود.

کدام ویژگی‌ها تئاتر تلویزیونی را از انواع دیگر درام‌های عامه‌پسند جدا می‌کند؟
نگارنده در فصول اولیه این رساله ویژگی‌های تئاتر تلویزیونی و تفاوت‌های آن را با انواع درام بر می‌شمارد.

در عین حال نگارنده کوشیده است با بر شمردن این ویژگی‌ها، نشان دهد چه تفاوتی میان تئاتر زنده (صحنه‌ای) و تئاتر تلویزیونی موجود است. یک نمایش هنگامی که به زبان رسانه تلویزیون ترجمه می‌شود تا چه میزان تغییر می‌کند؟ آیا تئاتر تلویزیونی هنری مستقل از تئاتر صحنه‌ای است؟ یا رسانه تلویزیون مانند شیشه‌ای که از پس آن به یک واقعه نمایشی می‌نگریم، تنها نقش رسانه‌ای و واسطه‌ای بازی می‌کند؟

بنابراین فصول اولیه رساله مبانی نظری و مقوله‌های استه‌تیک تئاتر تلویزیونی را روشن می‌سازد.

در بخش دوم تئاتر تلویزیونی ایران در مقاطع مختلف (از ۱۳۳۷ تا ۱۳۸۰) مورد بررسی قرار می‌گیرد و با مبانی گفته شده در بخش اول سنجیده می‌شود. تئاتر تلویزیونی ایران در هر مقطعی از تاریخ چهل و چند ساله اخیر (قبل از انقلاب، قبل از جنگ، در زمان جنگ و بعد از اتمام جنگ) از شرایط سیاسی و اجتماعی تأثیر گرفته است. این شرایط گاه موجب شده، این هنر از اصول و مبانی، مقولات و ارزش‌های استه‌تیک دور یا به آن نزدیک شود. در هر مقطعی دیدگاه‌ها و ایده‌های کارگزاران، هنرمندان و مخاطبان بر کم و کیف آن، تأثیرات مشخصی بر جای گذاشته‌اند. این رساله در بخش دوم به چالش‌های فرا روی تئاتر تلویزیونی ایران و عوامل مؤثر بر آن اشاره کرده و پیشنهادهاتی را برای برطرف نمودن این چالش‌ها و توسعه کمی و کیفی آن ارائه داده است.

با مراجعه به فهرست انتشارات سروش، مرکز تحقیقات برنامه‌ای صدا و سیما، اداره کل پژوهش سیما، مرکز مطالعات رسانه‌ای وزارت ارشاد اسلامی و برخی ناشران خصوصی، که کتاب‌هایی درباره تلویزیون منتشر کرده‌اند و از طریق فهرستگان «کارنامه نشر» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی طی ده ساله اخیر، به دنبال منابعی بودم که در این رساله -تئاتر تلویزیونی- از آن‌ها استفاده کنم. کوشش ما به نتایج ثانویه نیز انجامید از جمله این‌که بیش‌ترین آثار منتشر شده یا کتاب‌های فنی و تکنولوژیک دستگاه تلویزیون هستند و یا کتاب‌هایی که از منظر علوم اجتماعی به تلویزیون به عنوان یکی از وسایل ارتباط جمعی پرداخته‌اند. کم‌تر کتابی برنامه تلویزیونی را به عنوان متنی هنری نگریسته است. معدود یافته‌های ما، همین چند جلد کتابی است که مأخذ و مرجع این رساله بوده‌اند.

در میان پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان تئاتر و تلویزیون نیز نسخه چاپ شده «فرهنگ تئاترها و نمایش‌های تلویزیونی» نوشته آقای عباس جهانگیریان، تنها منبعی بود که از آن در این رساله استفاده کردم. این فرهنگ آثار تئاتری تلویزیون را تا سال ۱۳۷۵ به ترتیب الفبایی فهرست کرده است. برای اکثر تئاترهای پس از انقلاب نیز خلاصه‌ای چند سطری و یک عکس ضمیمه نموده که برای پژوهشگران رسانه بسیار مفید است.

تئاترهای تلویزیونی ایران، پس از این تاریخ (فاصله پنج ساله ۱۳۷۵ - ۱۳۸۰) را نیز با مراجعه به آرشیوهای صدا و سیما و منابع پراکنده دیگر، فراهم کرده به فهرست‌ها افزودم. سپس فهرست‌های موضوعی جدیدی از فهرست کلی استخراج کردم. برخی فهرست‌ها -بنا به ضرورت- برحسب سال یا دوره‌ای خاص و برخی دیگر برحسب مضمون نمایش‌ها طبقه‌بندی شده‌اند. عمده مضامین تئاترهای سال‌های گذشته را با استنباط از خلاصه نمایشنامه‌ها در فرهنگ جهانگیریان یا مشاهده شخصی در هنگام پخش و یا بازبینی برخی از آن‌ها، تدارک دیده و در جدول‌های جداگانه گنجانده‌ام تا بتوانم به طور مستقل یک گروه از تئاترها را مورد ارزیابی قرار دهم. این از بخت بلند من بود که از راهنمایی آقای دکتر محمدرضا خاکی و مشاوره آقای

داریوش مؤدبیان که هر دو افزون بر دانش گسترده در زمینه تئاتر، تجربیات ارزنده‌ای نیز در تلویزیون داشته‌اند، بهره‌مند گردم.

چند مصاحبه پرثمر و با کم‌حاصل نیز با دست‌اندرکاران تئاتر تلویزیونی انجام دادم، از جمله گفت‌وگوی بسیار مفیدی با آقای داریوش مؤدبیان که بخش‌هایی از آن را با ذکر نام ایشان در متن گنجانده‌ام.

به جز فرهنگ جهانگیریان، هیچ منبع چاپ شده‌ای - به زبان فارسی - درباره تئاتر تلویزیونی ایران موجود نیست، پایان‌نامه دوره کارشناسی آقای مجتبی وحدتی - ۱۳۶۹ - با عنوان نقش کارگردان در پرداخت شخصیت‌ها در تئاتر تلویزیونی، به مقوله شخصیت‌پردازی در تلویزیون عنایت دارد، اما فراتر از شخصیت‌پردازی تئاتری و سینمایی هیچ ویژگی منحصر به فردی را برای شخصیت‌های تلویزیونی بر نمی‌شمارد، آقای مجید گیادهچی نیز پایان‌نامه خود را در سال ۷۴ با موضوع کارگردانی تئاتر تلویزیونی ارائه داده است. این پایان‌نامه نیز به شیوه‌های فنی ضبط برنامه نظر دارد. پایان‌نامه آقای محمدرضا مفیدی در سال ۷۲ برای دوره کارشناسی به بازیگری، گریم و صحنه‌آرایی در تئاتر تلویزیونی پرداخته است.

این پایان‌نامه‌ها اکثراً با فقر در روش و ضعف در سازماندهی استدلال به انجام رسیده‌اند. لذا مراجعه مستقیم به منابع اصلی تحقیقات آنان را مناسب‌تر و مفیدتر دیدم.

به منابع خارجی محدودی نیز دسترسی داشتم مجموعه کتاب‌هایی که تنها در دو مورد مستقیماً به تئاتر تلویزیونی مربوط می‌شدند (تله‌پلی، گولز تراپنل ۱۹۶۶) و تئاتر در گذرگاه رسانه‌ها (یک فتوکپی بی‌نام و نشان). هر جا از کتاب زیبایی‌شناسی تلویزیون مطلبی آوردادم. از ترجمه آقای جمال آل احمد بوده‌است. چون کتاب هنوز صفحه‌بندی و چاپ نشده است، ناچار شدم صفحه و مشخصات متن اصلی را ذکر کنم.